

## گذر فمینیستی از جزیره سرگردانی و به سوی فانوس دریایی

بهرام بهین\*

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ایران

معصومه باقری\*\*

کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۲۴، تاریخ تصویب: ۹۲/۴/۱۵)

### چکیده

بنابه دیدگاه گروه‌های فمینیستی، ارزش ذاتی زنان و مردان برابر است، اما در بیشتر جوامع، افراد برای گروه مردان امتیاز ویژه‌ای قائل‌اند. بر این اساس در دوره مدرن حرکت‌های اجتماعی شکل گرفته‌اند تا شعار برابری زنان و مردان را محقق سازند. حضور زنان در روند این حرکت‌های اجتماعی، در قالب عملکردها و رفتارهای مختلف حائز اهمیت است و بایسته است که در گستره‌های مختلف مورد مطالعه و بررسی بیشتر قرار گیرد. فعالیت زنان رمان‌نویس در جوامع مختلف جهان مدرن از تجلیات این حرکت‌های اجتماعی بوده است و حضور مؤثر ویرجینیا وولف، رمان‌نویس بریتانیایی، از این بابت غیر قابل انکار است و نوشته‌ها و خطابه‌های سیمین دانشور نیز به عنوان شخصیتی تأثیرگذار برای رمان‌نویسان ایرانی، نشان از تمایلات فمینیستی او دارد. هدف این مقاله بررسی تطبیقی رمان به سوی فانوس دریایی نوشته ویرجینیا وولف، و جزیره سرگردانی و جلد دوم آن ساربان سرگردان نوشته سیمین دانشور از منظر فمینیسم است. خاستگاه این مقاله، نظریه‌های فمینیستی‌ای است که مهم‌تر از هر موردی، زن را موجودی مستقل از مرد و دارای ویژگی‌های زیست‌شناسی، فرهنگی و ذهنی متفاوت از مردان به حساب می‌آورند. در پی بررسی متن رمان‌ها، با استفاده از نظریات منتقدان و تطبیق آن‌ها، شباهت‌های متعددی در مضامین و شخصیت‌های این رمان‌ها دیده می‌شود. زنان، چه مدرن و چه سنتی، آرزوها، ترس‌ها و دردهای مشترکی دارند و نظام پدرسالار راهبردهای همسانی را برای غلبه بر زنان به کار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: ویرجینیا وولف، سیمین دانشور، فمینیسم، پدرسالاری، زبان زنان، نگاه خیره مردان.

\* تلفن: ۰۴۱۲-۴۳۲۷۵۰۱، دورنگار: ۰۴۱۲-۴۳۲۷۵۰۱، E-mail: bahram.behin@gmail.com

\*\* تلفن: ۰۴۱۲-۴۳۲۷۵۰۱، دورنگار: ۰۴۱۲-۴۳۲۷۵۰۱، E-mail: m-bagheri14@hotmail.com

## مقدمه

مباحث حول و حوش برابری حقوق زن و مرد در تاریخ مدرن، ناشی از این واقعیت بوده است که گرچه زنان و مردان از ارزش ذاتی برابری برخوردارند، اما بیشتر جوامع بشری برای گروه مردان امتیازهای ویژه‌ای قائل بوده‌اند. بنابراین حرکتی اجتماعی نیاز بوده تا برابری و مساوات را بین زنان و مردان برقرار کند، چرا که موضوع جنسیت با دیگر سلسله مراتب تقاطع دارد (فریدمن ۷). بل هوکز تصریح می‌کند که در تصور عموم مردم، فمینیسم برنامه و تدبیری ضد مردان است (هوکز ۱). البته واکنش‌هایی شدید از سوی فمینیست‌ها بر ضد مردان صادر شده است و آن به دلیل سلطه‌جویی مردان بوده است. در همین زمینه منتقدان فمینیست مفهوم «رابطه خواهری» را در این معنا ارائه دادند که زنان از نظر زیست‌شناسی به هم مرتبط‌اند و در مسئولیت‌هایشان به هم گره خورده‌اند، در نتیجه باید در حرکت‌های فمینیستی، فعال بوده و از یکدیگر حمایت کنند (هوکز ۳). اما بعدها «رابطه خواهری» معنای خود را از دست داد، چرا که زنان خود به این نتیجه رسیدند که گروهی از هم‌جنسان آنان مانند مردان به تبعیض جنسیتی باورمندند (ثورنهام ۳). به این ترتیب رهبران فمینیسم شروع به تغییر و تعدیل نظام جنسی کردند و فمینیست‌ها به اختلاف و آگاهی تازه‌ای راجع به مبحث نژاد و طبقه زنان رسیدند. بنابراین بینش، همه زنان زیر سلطه‌اند، اما نوع و چگونگی آن بر طبق نژاد و طبقه اجتماعی و حتی رنگ پوست آنان متفاوت است (همان). اما هرچه هست، پدرسالاری و مردسالاری، سلطه‌جویی نظام‌مند همه مردان علیه همه زنان، منشأ ظلم است. در جامعه تحت کنترل مردان، قدرت، شایسته و برازنده مرد شمرده می‌شود و به باور برسلر، این تصور به خوبی در فرهنگ و ادبیات جوامع مردسالار انعکاس می‌یابد (برسلر ۱۶۶).

ثورنهام معتقد است فمینیست‌ها کوشیده‌اند که زنان در زندگی شخصی و اجتماعی‌شان متحمل مسئولیت‌ها و امتیازاتی شبیه مردان شوند، تا از انزوایی که مردسالاران بر زنان تحمیل می‌کنند نجات یابند (ثورنهام ۲۷). لازمه رسیدن به این هدف، آگاهی زنان از حقوق فراموش شده‌شان است. بر زنان ضروری است که قدرت منطق و تفکرشان را رشد دهند و تحصیل علم کنند تا از القابی مانند موجود عاطفی و غیرمعقول رها شوند (همان) مری ولستون گرفت در مقاله‌اش تحت عنوان حمایت از حقوق زنان یادآور می‌شود که زنان از جایگاه‌های سیاسی کنار زده می‌شوند، زیرا مردان آن‌ها را فاقد توانایی و تخصص لازم می‌دانند. بدین ترتیب زنان به ماندن در خانه، خانه‌داری، تربیت و نگهداری فرزندان محکومند (سندرس ۱۵). بالا بردن آگاهی زنان نسبت به وضعیت و امتیازاتشان، یکی از موضوعات مطرحه در فمینیسم

فاز دوم و نیز یکی از رویکردهای این مقاله نیز است. بنابراین زنان به کمک و رهبری فمینیست‌ها سعی در رشد آگاهی‌های خود دارند و امورات شخصی خود را با مسائل اجتماعی و سیاسی نیز به هم می‌آمیزند. فمینیست‌ها ازدواج، فرزنددار شدن و روابط زناشویی را کانال‌های اعمال ظلم و ستم به صورت فردی بر زنان به حساب می‌آورند. به همین دلیل آن‌ها به شدت با برخی رسوم سنتی ازدواج و زندگی مشترک در تضاد و مبارزه‌اند (ثورنهام ۲۸).

استقلال مالی زن در نظر فمینیست‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد. زیرا صاحب‌نظران فمینیست، نیاز مالی و اقتصادی زن را محملی مناسب برای غلبه و حکمرانی مردان در طول تاریخ می‌دانند. بنابراین فمینیست‌های آزادی‌خواه برای بدست آوردن حقوق و مزایای برابر با مردان در ازای کار برابر، در کارخانه‌ها و شرکت‌ها دست به اعتصاب همگانی زدند و نیازها و خواسته‌هایشان را فریاد کردند (آزبورن ۱۶). علاوه بر موارد ذکر شده، فمینیست‌ها کشف یک زبان جدید نظری را برای تکامل حرکت آزادی‌بخش خود ضروری پنداشته‌اند، زبانی که بیانگر احساسات و خواسته‌های زنانه باشد، زیرا زبان موجود توسط مردسالارها کنترل و سانسور می‌شود به طوری که معنای برخی کلمات نیاز به بررسی و تغییر دارد (ثورنهام ۲۷).

ویرجینیا وولف، نظریه‌پرداز و رمان‌نویس زن بریتانیایی و پیش‌تاز در عرصه مطالعات و حقوق زنان، در کتاب *اتاقی از آن خود* و دیگر نوشته‌ها و سخنرانی‌هایش به‌طور روشن زنان را به بیداری و ارائه باز تعریفی از وضعیت خودشان فرا می‌خواند. او از ابزار ادبی رمان به‌طور هنرمندانه‌ای برای بیان عقاید فمینیستی‌اش بهره می‌گیرد و در آثارش فریاد دادخواهی زنان را برای کسب استقلال به گوش همگان می‌رساند (پینکنی ۷). منتقدان، ویرجینیا وولف را اولین زنی می‌دانند که آرزوها و خواسته‌هایش را بدون عذرخواهی یا پنهان شدن تحت اسم مستعار بیان کرده است. او خود یک زن است و فهم عمیقی از رنج‌ها و آلام زنان در اجتماعی با حاکمان مرد دارد. وولف اعتقادش را در زندگی شخصی‌اش نیز در عمل دنبال کرد.

وولف نویسنده‌گانی چون فورستر، استراچی، الیوت و هاکسلی را که استانداردها و فرهنگ مردسالار را ترویج می‌دهند، مورد انتقاد قرار می‌دهد و دیگر نویسندگان را تشویق می‌کند که از مرزها و محدودیت‌های ایجاد شده توسط این افراد، عبور کنند تا قادر باشند آیین نگارش زنانه را ترویج دهند. وولف می‌گوید صدای زنان شنیده نخواهد نشد مگر همه قوانین جامعه و پایه‌های نظری آن از نو بنیان گذاشته شود. وولف زنان را به پذیرش تفاوت‌هایشان با مردان دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد که خود را در رو دررویی با این تفاوت دچار اضطراب و ناراحتی نکنند و به زنانگی خود ببالند (پینکنی ۶).

جنبش‌های فمینیستی در کشورهای شرقی از جمله ایران نیز به گونه‌های مختلفی مانند فمینیسم رادیکال، سوسیال، لیبرال، آگزیستانسیال و پسامدرن ظاهر شد (حسن لی ۲). سیمین دانشور در داستان‌هایش سعی در رساندن صدای زنان دارد، به طوری که خواننده را با حقوق از دست رفته زنان و ستم وارده بر آنان آشنا می‌سازد (حسن لی ۳). در برخی مصاحبه‌ها دانشور آشکارا خود را مخالف فمینیسم افراطی و رادیکال می‌داند، چرا که از نظر او این گرایش‌های افراطی حقوق مردان را نیز علاوه بر زنان زیر پا می‌گذارند و نهاد خانواده را متزلزل کرده، دنیای زنان و مردان را در کل جدا می‌سازد. او مانند وولف، به زنان توصیه می‌کند که به زنانگی خود افتخار کنند و لازمه این امر را در بالا بردن حقوق زن و فراهم کردن عوامل رفاهی برای او می‌داند (دقیقی ۹). وی با افراد و طبقات مختلف جامعه برخورد داشته است، بنابراین داستان‌هایش به موضوعات و مشکلات اجتماعی و خانوادگی می‌پردازد و در این میان زنان مورد توجه خاص نویسنده قرار می‌گیرند. همینطور که در رمان جزیره سرگردانی سه شخصیت زن از سه نسل حضور دارند، مادر بزرگ، مادر و دختر.

رویکرد این مقاله تلفیقی و گزینشی است. به این معنی که مقاله از بین نظریه‌پردازانی چون وولف، سیکسو، کریستوا، ولستون کرفت و... که هر کدام منتقدان فمینیست در فازهای متفاوتی (اول، دوم یا سوم) اند، با توجه به اقتضای بحث مقاله به صورت گزینشی بهره جسته است.

تاکنون قرائت‌های متفاوتی از رمان به سوی فانوس دریایی شده است، این رمان هم مورد توجه وولف پژوهان و هم خواننده‌های آماتور ادبیات بوده است. چول اولسون بر شخصیت‌ها و درکشان از شرایط تأکید می‌کند و معتقد است که رمان، گفتمانی دو سویه است که یک سوی آن خانم رامسی است، یک مادر فداکار و مهربان و سوی دیگر لی لی است، که از پذیرش قواعد زندگی مردسالار سرباز می‌زند. اولی تابع است و تمکین می‌کند اما دومی در کل به مردان و نیازهایشان بی‌اهمیت است.

تابور در مقاله روشنگرش به بررسی رمان وولف از منظر فمینیسم و نظرات خود وولف در *اتاقی از آن خود* می‌پردازد. او بحث زنان و حقوقشان را در رمان وولف می‌ستاید. همچنین بسیاری از مطالعات به بررسی لایه‌های واقعیت در اثر می‌پردازند. به‌طور مثال لی لی بریسکو به عنوان شخصیتی که ذهنش به طور مداوم در حرکت است و گذشته و حال را به هم پیوند می‌زند، مورد عنایت ویژه پژوهشگران قرار گرفته است.

حسین علی قبادی در مقاله‌اش «گفتمان غالب در رمان سووشون» سعی دارد در لایه‌های

متفاوت، معنی و موضوع رمان را بررسی کند. از آنجایی که دانشور نگاه خاصی به تغییرات سیاسی و اجتماعی دارد، توانسته است که جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و اسطوره‌ای را به هم بیامیزد، موضوعی که تحت عنوان ایدئولوژی خاص دانشور شناخته شده است. از نظر قبادی، همواره دانشور سعی دارد، هویتی مستقل و ایرانی بسازد. کلمات را با دقت خاصی برمی‌گزیند و از شعر و حماسه بهره می‌گیرد و آن‌ها را با دین پیوند می‌زند. قبادی می‌پندارد که موضوع زنان و مظلوم قرار گرفتن آنان، یکی از دغدغه‌های اصلی دانشور است و برای حقوق از دست رفته زنان و آزادی آنان احترام ویژه‌ای قائل است. به اعتقاد قبادی، در نظر دانشور، مهم‌ترین مسئله اجتماعی، وضعیت زنان است که در باورهای خرافی نگاهداشته شده‌اند و از تحصیلات بالاتر محرومند. در مجله مطالعات ایرانی تصویر روشن و عمیقی که دانشور از زنان به نمایش می‌گذارد، به عنوان سهمی بزرگ به ادبیات فارسی قلمداد می‌شود. دانشور در ادبیات فارسی که مرد محور است، توانست زنانگی، احساسات شدید، امورات خانه‌داری و اجتماع را به تصویر بکشد. کارهای دانشور نشان می‌دهد که زن، نقش بدیع و متنوعی در زندگی خانوادگی دارد و می‌تواند به غنای زندگی کمک شایانی کند. (قبادی ۲)

حسین نوین در مقاله «شهری چون بهشت» استدلال می‌کند که دانشور به عنوان شخصی آگاه به مسائل و شرایط جامعه و دشواری‌های زندگی مردم طبقات متفاوت، تصویر تاریکی از وضعیت زنان و مردم محروم، در یک بازه زمانی تاریخی به دست می‌دهد (نوین ۱). عبدالعلی دست غیب در مقاله «جزیره سرگردانی» سعی در بررسی قدرت دانشور در برخورد با مسائل اجتماعی دارد. گویی دانشور وضعیت زندگی مدرن قرن ۲۰ را که به قول الیوت به دشت سترونی می‌ماند، به تصویر کشیده است. از دیدگاه دست غیب، سردرگمی هستی در زندگی شخصی، خانوادگی و فعالیت‌های انقلابی و اجتماعی‌اش شخصی نیست، بلکه یک رخداد مشترک جهانی است. او در جزیره سرگردانی ذهن دانشور را متفاوت از سووشون می‌داند و تصریح می‌کند که رشد فکری دانشور در رمان دو جلدی جزیره سرگردانی مشهود است (دست غیب ۷). از دیدگاه زری (قهرمان زن سووشون) همه چیز قابل درک و روشن است، اما هستی در دنیایی مبهم و تاریک رنج می‌برد اما در نهایت دانشور اجازه نمی‌دهد هستی در سرگردانی بماند، بلکه به دنبال راه نجاتی است.

بر طبق مطالعات انجام شده در زمینه دو رمان فارسی و انگلیسی، افراد متعددی به بررسی کارهای سیمین دانشور و وولف به صورت جداگانه پرداخته‌اند اما مطالعه تطبیقی این دو اثر، نوآوری این مقاله است که سعی در برقراری ارتباط فکری و فرهنگی بین این دو اثر دارد.

### بحث و بررسی

این مقاله در پی بررسی تطبیقی رمان انگلیسی به سوی فانوس دریایی نوشته خانم ویرجینیا وولف و رمان جزیره سرگردانی و جلد دوم آن ساریان سرگردان آخرین آثار به چاپ رسیده از خانم دکتر سیمین دانشور است. تمرکز اصلی مقاله بر تحلیل و تطبیق کشمکش‌ها، جهان بینی‌ها، آرزوها، نگرانی‌ها، روابط، خواسته‌ها، تمایلات و نیازهای شخصیت‌های زن این آثار ادبی قرار گرفته است. همچنین این مقاله به معرفی و تطبیق مردان سلطه‌جوی این رمان‌ها و راهبردهای آنان به منظور غلبه بر زنان می‌پردازد.

هر دو نویسنده ایرانی و بریتانیایی درک عمیقی از شرایط زندگی شخصی و اجتماعی زنان دارند و نظام مردسالار را در نوشته‌ها و گفته‌هایشان به محروم کردن زنان از حقوق طبیعی‌شان متهم می‌کنند. نوشته‌های وولف و دانشور هر دو متأثر از رویدادهای سیاسی جهانی و ملی مانند جنگ‌های جهانی و دفاع مقدس می‌باشند. هستی، قهرمان رمان جزیره سرگردانی، حقوق از دست رفته طبیعی را به تصویر میمون‌های کور و کر و لال تشبیه می‌کند. هستی به تلخی گفت: میمون‌های رازگو<sup>۱</sup>، کورشو، لال شو.

سلیم پرسید: چگونه است آن حکایت؟

یک روز استاد مانی تصویر میمون‌های سه‌گانه را روی پرده سینمایی کلاس نشان داد. یک اثر معروف هنری هندی است، بیشتر به صورت مجسمه. یکی از میمون‌ها دست روی چشمش گذاشته، یکی دست روی گوشش و آخری دست روی دهانش. وصف حال زن‌ها در دنیای کوچک ما (دانشور، ۱۳۷۲، ۲۵).

در هر دو رمان، تقابل زنان سنتی با زنان مدرن به خوبی مشاهده می‌شود. دنیای زنانۀ توران، مادر بزرگ هستی، نماینده نسل زنان سنتی از دنیای مادرش که نماد زنان غرب‌زده و فمینیست رادیکال است، بسیار متفاوت است. هستی که نماینده زنان جوان و مدرن است، در انتخاب یکی از دو دنیای سنتی مادر بزرگ یا رادیکال مادر، دچار نوعی سردرگمی و تردید است. به‌طور متشابه افکار و اعمال خانم رامسی که متعلق به گروه زنان سنتی قرن نوزده عصر ویکتوریا است، با عقاید و رفتارهای نوگرایی لی لی بریسکو زن هنرمند جوان در تضاد آشکار است. و لی لی بریسکو هم مانند هستی دچار سرگردانی و تردید در انتخاب نهایی راه خویش است.

۱- این سه پیکره، سه میمون را می‌نمایاند که یکی دست بر چشم نهاده، دیگری دست بر دهان نهاده و دیگری دست بر گوش‌هایش نهاده گویای اینند؛ نبین، نشنو، یا کور شو، لال شو و کر شو! اما چرا به جای نشنو، یا کر شو، واژه رازگو آمده؟ بی‌گمان خطایی است که در قلم نویسنده رفته است. «ویراستار»

پاینده در مقاله خواندنی‌اش «سیمین دانشور: شهرزادی پسامدرن»، هستی را عامل کانونی رمان جزیره سرگردانی معرفی می‌کند، به طوری که خواننده، بیشتر واکنش‌های عاطفی را از دریچه چشمان او می‌بیند، همچنین منتقدانی چون مک این تیر، خانم رامسی و گاه‌لی لی بریسکو را کانون روایت به سوی فانوس دریایی می‌دانند (پاینده ۱۲۲). بدین ترتیب عقاید فمینیستی وولف پیرامون هویت و سلسله مراتب جنسی از زبان لی لی بیان می‌شود و به همین نحو دانشور نیز اعتراضاتش را به مسائل و محرومیت‌های زنان در دهان هستی و عشرت می‌گذارد. لی لی و عشرت سعی در براندازی سلسله مراتب جنسی جدی و خشک دارند. آن‌ها تلاش می‌کنند تا فاصله جنسیتی بین زنان و مردان را نقض کنند و در جامعه‌ای سستی، مستقل و غیرسستی زندگی کنند.

هلن سیکسو منتقد و فیلسوف فرانسوی استدلال می‌کند که زبان، ابزاری است در خدمت مردسالاران برای ستم رویی بر زنان. از نظر سیکسو زنان باید استفاده از زبان موجود را ترک کنند و در پی بازکشف و بازنوشت گفتمانی جدید باشند (ولفریز ۳۶۴). هستی نوریان و لی لی بریسکو با این وجود که مخلوقات ذهن فمینیستی وولف و دانشورند، اما همچنان ناگزیر به استفاده از زبان رایج که توسط مردان کنترل و سانسور می‌شود هستند، زیرا در حال حاضر این زبان تنها رسانه موجود است. آن‌ها از کسب جهان‌بینی و خودآگاهی مستقل از مردان نیز عاجزند. هر دو آن‌ها نقاش‌اند و گاه برای ابراز نگرانی‌ها و آرزوهایشان از هنرشان بهره می‌گیرند تا مجبور به استفاده از زبان مردسالارانه نباشند. لی لی و هستی هر دو نقاشان تجربی (اکسپریمنتال) و پسا اکسپرسیونیستی (حالت دوست) اند که در تابلوهایشان سمبل‌های خصوصی و اشکال هندسی را به کار می‌گیرند که گاه فقط برای خود هنرمند معنادار می‌نمایند. به طور مثال، هستی احساس رضایت خود را از خواستگاری سلیم از خودش به شکل ترنجبی گرد می‌کشد و لی لی خانم رامسی را شبیه به مثلثی بنفش رنگ به تصویر می‌کشد.

از سویی دیگر مردان و حتی زنان سستی داستان، هنر نقاشی قهرمانان را بی‌ارزش جلوه می‌دهند و آن را تنها در حد نوعی سرگرمی قلمداد می‌کنند که زنان را از انجام وظایف خود به عنوان همسر و مادر باز می‌دارد. مردان خود محور که قادر به شناخت زیبایی‌های ظریف و هنرمندانه نیستند، به شکلی یکسان به کار هنری هستی و لی لی به دیده حقارت می‌نگرند. آقای تانسلی در رمان به سوی فانوس دریایی آشکارا اعلام می‌کند که «زنان نمی‌توانند نقاشی کنند، نمی‌توانند بنویسند» (وولف، ۷۴). به علاوه حس درد و ترس بر لی لی غلبه می‌کند آنگاه که آقای تانسلی و آقای رامسی به نقاشی اش به دیده حقارت نگاه می‌کنند. او از درآمیختن هنرش

با نگاه جنسیتی آنان، بیزار است، گویی که باری از احساسات و خشم زنانه خود را در تابلویش نشانده است. فرهاد درفشان، دوست سلیم با بی‌توجهی کامل به روی فیبر نقاشی هستی می‌نشیند و آن را می‌شکند و در مقابل گریه هستی خون‌سردانه پاسخ می‌دهد: «خوب یکی دیگر می‌کشید».

و حتی سلیم هم گمان می‌کند که هستی برای فیبرش گریه می‌کند:

- سلیم پرسید: خواهر چرا گریه می‌کنی؟

- این آقا فیبرم را داغون کرد.

- برایت تا بخواهی فیبر می‌خرم.

- رویش برای تو نقاشی کرده بودم.

- لندهور گفت: خوب یکی دیگر می‌کشید (دانشور، ۱۳۷۲، ۵۹).

این دیدگاه مردان باعث می‌شود که زنان هنرمند داستان، نگران امکان ادامه نقاشی بعد از ازدواج باشند به طوری که لی لی در سن سی و سه سالگی هنوز ترجیح می‌دهد مجرد بماند و هستی هم در سن بیست و شش سالگی به هیچ مردی اعتماد ندارد جز مراد پاکدل که به هنرش ارج می‌نهد. هستی خود اذعان می‌کند که:

- مراد تنها مردی است که نمی‌خواهد مرا استثمار کند. به من امکان می‌دهد زن نویی که

می‌خواهم بشوم (دانشور، ۱۳۷۲، ۱۵).

در طول زمان، زبان در خدمت فرمانروایان مردسالار بوده است، سیمین دوبوار به‌طور شفاف اعلام می‌کند که افکار و نوشته‌های مردان در قالب‌های ادبی، اساطیری، مذهبی و فرهنگ عامه سعی در تعریف زنان در کلیشه‌های از پیش تعیین شده داشته و به تدریج زنان خود نیز این تعاریف و قالب‌بندی‌ها را درونی می‌سازند، وابستگی و نیازشان به مردان را می‌پذیرند و به آسانی چونان کالایی تسلیم مردسالاران و مطالباتشان می‌شوند.

دیگر استراتژی فمینیست‌ها برای مقاومت و مبارزه علیه نظام مردسالاری تکذیب و رد کلیشه‌هایی است که زن را کالایی برای نگاه لذت‌جویانه مردان تعریف می‌کنند. در جوامع مردسالار ارزش زنان با میزان زیبایی ظاهری آنان و توانایی‌شان به عنوان کالایی زیبا با میزان ارضاء نگاه مردان ارزیابی می‌شود (ثورنهام ۹۶). دانشور و وولف در آثار ادبی‌شان به‌طور یکسان از نگاه لذت‌جویانه مردان به زنان به شدت انتقاد می‌کنند. به عنوان مثال لی لی در مهمانی خانم رامسی از نگاه غیر عادی آقای رامسی و تانسلی آزرده خاطر می‌شود و برخلاف پیشنهاد خانم رامسی، صندلی و جایگاهش را دور از مردان قرار می‌دهد. هستی هم از نگاه



حریص پدر مراد و آقای کراسلی آمریکایی و دیگر مردان بر چهره و بدنش منزجر می‌شود. حتی زنان سنتی هم به هم‌جنسان خود به عنوان جنس لطیف و شیء زیبا برای بهره‌جویی نگاه مردان می‌نگرند. برای مثال خانم رامسی مانند یک مادر، فکر ازدواج لی لی با آقای بانکز که برای وجود زن به عنوان یک انسان ارزش قائل نمی‌شود، در سر می‌پروراند و سعی در عرضه لی لی دارد. به همین نحو خانم فرخی هم به عنوان مقدمه خواستگاری هستی برای پسرش سلیم، او را به حمام سونا دعوت می‌کند تا تن و چهره هستی را برانداز کند. گویی زن موجودی است که زیبایی و لطافت ظاهرش معیار ارزش‌گذاری اوست، نه قدرت تفکر و تعقلش.

ویرجینیا وولف به طور مبسوط در مقاله انتقادی‌اش به نام «شغل‌ها برای زنان» در سال ۱۹۳۱ مفهوم فرشته‌خانگی یا همان مدل قابل قبول از زن برای عصر ویکتوریا را شرح داده است. از نظر او عنوان فرشته‌خانگی به زنان اطلاق می‌شود تا به سوی فرمان‌برداری از مردان سوق داده شوند. برخی مشخصات فرشته‌های خانگی به این شرح است: آن‌ها بسیار فداکارند و غیرخودخواهانه زندگی می‌کنند، گویی خودشان نیاز یا خواسته‌های ندارند و مسئول برآوردن نیازهای شوهر و فرزندان‌شان اند (هندلی ۱۴). فرشته‌های خانگی در پی انجام وظایف همسرداری و خانه‌داری شانند. همه حقوق و مطالباتشان را نادیده می‌گیرند و اعتراضی به وضع موجود ندارند، به شدت پایبند سنت‌ها هستند و به شوهر و چارچوب خانواده‌شان وفادارند و بیشتر زمان خود را صرف امور خانه می‌کنند.

این زنان کلاسیک و فرشته‌خو، در رمان‌های وولف و سیمین دانشور توسط زنان نوگرا سرزنش می‌شوند و این دو نویسنده در پی معرفی زنان نوگرایند. به طور جالب توجهی زنان سنتی داستان‌ها، توران جان و خانم رامسی، در اواسط رمان از دنیا می‌روند و این می‌تواند نشانگر مرگ نسل زنان و خانواده‌های سنتی باشد. آن‌ها به واسطه ظهور نسخه جدید زنانگی محکوم به نابودی اند.

خانم رامسی نمونه فرشته‌خانگی به شمار می‌رود. او خانمی است با چهره‌ای جذاب حتی در سن شصت سالگی و مادر هشت فرزند که تمام اوقات خود را در فکر آسایش و موفقیت شوهر و به خصوص فرزندانش است. او معتقد به غیرقابل تغییر بودن هویت جنسی است. خانم رامسی عشق و محبت بی‌انتهایش را نثار همه اطرافیان می‌کند و بدین وسیله کیفیت زندگی آن‌ها را ارتقا می‌دهد. او مدیریت روابط داخل و خارج خانه را به عهده دارد و برای ازدواج جوانان می‌کوشد. به کار بافتنی برای پسر نگیهان فقیر فانوس دریایی مشغول

است. از زندگی‌اش رضایت دارد و هیچ انتقادی از شرایط خود ندارد. سعی در برقراری صلح و دوستی بین شوهر و فرزندان خود دارد. در پی ایجاد آرامش و همدلی در خانواده است. به فرزندانش قول رفتن به فانوس دریایی را می‌دهد در حالی که پدر به حالتی خشن پیش‌بینی می‌کند که هوا برای سفر به فانوس دریایی مناسب نخواهد بود (وولف ۲).

در ساربان سرگردان، نیکو، زن سلیم، به عنوان فرشته‌ای خانگی توصیف شده است. رفتارهای او توسط زنان نوگرا به سخره گرفته می‌شوند. او زنی سستی و غیر تحصیل‌کرده است که از قدرت تعقلش بهره نمی‌گیرد، انتقادی به وضع موجود ندارد، کم حرف است و پیرو آداب و رسوم است. به همسر خود وفادار است، همیشه در خانه می‌ماند یا در جلسات خانگی و زنانه شرکت می‌کند، به آرایشگاه می‌رود و به خواندن کتاب و یادگیری علاقه‌ای نشان نمی‌دهد.

برخلاف فرشته‌های خانگی مانند خانم رامسی و نیکو، لی لی بریسکو، هستی و زنان نوگرا معتقدند که خواسته‌ها و حقوقشان به اندازه حقوق و نیاز همسر و فرزندانشان دارای اهمیت است. آن‌ها به جای فداکاری بی‌حد و حصر به دنبال درک جدیدی از مفهوم خانواده و زندگی اجتماعی‌اند. مسعود طوفان می‌نویسد که عشرت و لی لی از ایفای نقش به عنوان فرشته خانگی تبری می‌جویند. عشرت می‌گوید:

«ما زن‌ها بدبخت بچه‌ها و مردهایمان هستیم همین است که هست» (دانشور، ۱۳۸۰، ۲۹۳).

و زنان مطیع دارای این ویژگی‌ها را به باد انتقاد می‌گیرند. هستی می‌اندیشد:

- نیکو خانم عاری از سرگردانی و فریب و دروغ است .... اما نیکو خانم روحی نداشت که برهنه بکند یا نکند... (دانشور، ۱۳۸۰، ۳۳).

«نیکو پشت سر او می‌ایستد و به گفته خود به او اقتدا می‌کند و نماز می‌خواند و سلیم را مرجع تقلید خود می‌داند».

- «این دختر را تنها برای شوهرداری تربیت کرده بودند. یک فرشته خانگی، چقدر خسته‌کننده خواهد بود» (دانشور، ۱۳۸۰، ۴۰).

حتی خود سلیم از نیکو به عنوان بره یاد می‌کند.

- نیکو یک بره سربه‌راه است. حتی هوو را هم تحمل خواهد کرد.

عشرت نیکو را به سخره می‌گیرد و در صفحه ۲۹۲ جزیره سرگردانی با خود و خطاب

به سلیم می‌اندیشد:

- عشرت در دل گفته بود تو هم برو لای دست ننه‌ات. هستی را نمی‌گیری، نیکو را می‌گیری که بع بیعی است مثل بره سرش را می‌اندازد زیر و علفش را می‌چرد (دانشور، ۱۳۷۲، ۲۹۲).

زنان نوگرایی هر دو رمان به دلیل افکارشان دارای شخصیت، زندگی و جهان‌بینی متفاوت‌اند. به عنوان نمونه، لی و هستی به ترتیب در سنین سی و سه و بیست و شش سالگی هنوز مجردند و به ویژه لی هنوز به‌طور جدی به ازدواج نمی‌اندیشد، بر خلاف خانم رامسی که ازدواج را منشأ خوشبختی و معنادار شدن زندگی می‌داند. هستی نیز قصد دارد سنت‌شکنی کند و از مراد خواستگاری کند زیرا معتقد است مراد مرد شایسته‌ای است (اردستانی ۱).

هستی بر خلاف زنان اطرافش، به فال گرفتن اعتقادی ندارد و معتقد است که «غیر از جوهر روح خودم، اعتقاد به هیچ فالی ندارم». لی از همراهی و همدلی با آقای رامسی بعد از مرگ همسرش (برخلاف هم‌جنس‌انش) خودداری می‌کند و گویی قادر نیست مردی را آرام کند. هستی از این که الگوهای مادر مراد در دستش نرفت خوشحال می‌شود «با جلنگ جلنگ الگو که نمی‌شد نقاشی کرد».

زنان در جوامع مردسالار از هویتی شخصی و مستقل محرومند، بنابراین همواره صاحب‌نظران فمینیست کوشیده‌اند آگاهی زنان را ارتقا دهند تا آنان قادر به باز تعریف هویت واقعی خویش شوند. علی‌رغم تلاش آنان، بخش بزرگی از هویت زنان هنوز در کنار مردان (شوهر یا پدرشان) تعیین می‌شود. از نظر مک اینتایر، خانم رامسی هیچ شخصیت مستقلی از خود ندارد و خود واقعی او در داستان آشکار نمی‌شود چرا که او همیشه موضوع افکار دیگران است. به همین گونه هستی علاوه بر غیر سنتی بودنش، صدا و موجودیت مستقلی از خود ندارد و در بین آرا و افکار عرضه شده در پیرامونش دچار شک و سردرگمی عظیمی است. حتی عشرت که خود را در تضاد کامل با زندگی زناشویی سنتی قلمداد می‌کند هویتش در تمام مواقع، در وابستگی به دیگران تعیین می‌شود. شوهرش او را «خانمی» می‌نامد و برای بچه‌هایش «مامان عشی» است، دیگران هم او را خانم گنجور صدا می‌کنند: او یا معشوقه است یا مادر یا همسر. خانم رامسی هم در کل رمان، با نام خانوادگی شوهرش، آقای رامسی به ما شناسانده می‌شود و هیچ‌گاه از نام کوچک او با خبر نمی‌شویم. او فقط به عنوان همسر و مادر از هویت تعریف شده‌ای برخوردار است.

زنان پیشرو که افکار فمینیستی را در سر می‌پرورانند (لی و هستی) دچار سردرگمی و

سرگشتگی عجیبی‌اند. دنیای هر دو رمان در آستانه فروپاشی و تحولات بزرگی است و لی لی و هستی با عقاید و نظرات ضد و نقیضی رو به رویند و انتخاب راه برایشان دشوار است و به حمایت و کمک دیگران احتیاج دارند. آن‌ها در جهان حاضر از میان عقاید سنتی و رادیکال ناگزیر از انتخابی دشوار و سرنوشت سازند. جهانی که به قول ت. اس. الیوت به دشت سترونی می‌ماند. لی لی با وجود عقاید ساختارشکنانه و نوینش، گاهی زنانگی خود را با مدل موردپسند جامعه ارزیابی می‌کند و از تفاوت‌های خود آزرده می‌شود. از سویی به مردان اطرافش اعتماد و علاقه ندارد و تمایلی هم به ازدواج ندارد، از سویی عقاید خانم رامسی و عموم جامعه مبنی بر این نکته که درک معنای واقعی زندگی و خوشبختی برای یک زن در ازدواج نهفته است، در عمق وجودش نهفته و درونی شده است.

هستی نیز متأثر افکاراستاد مانی و اطرافیانش، مثل توران، مراد و سلیم قرار گرفته است و در انتخاب راهش و ارزیابی اعتقادات و افکارش دچار شک و تردید عمیق وجودشناسانه می‌شود. با وجود عقاید امروزی‌اش راجع به زنان و زندگی خانوادگی بر اثر توصیه‌های اطرافیان کمی نگران دیر شدن ازدواج است، در حالی که مردان را استثمارگر و سلطه‌جو می‌خواند. به همین دلیل رفتارهای متناقض از او سر می‌زند. برای مثال از طرفی قصد جدایی از سلیم را دارد و خواستگاری او را بعد از نجات از جزیره سرگردانی رد می‌کند و از طرفی دیگر روز ملاقات با او دچار شک می‌شود.

- کلنجر هستی با خودش شروع می‌شود: لباس سرخابی را بپوشد یا لباس ساده؟ سلیم را ببوسد یا نه؟ آرایش بکند یا نه؟ (دانشور، ۱۳۸۰، ۱۲۳)  
و در جایی از سلیم می‌پرسد:

- زن نمی‌تواند غمگین باشد؟ زن نمی‌تواند شک بکند؟ زن نمی‌تواند فکر بکند؟  
(دانشور، ۱۳۷۲، ۱۹۶)

زنان پیشگام و سنت‌شکن، راهی دشوار و پیچیده را برای کسب استقلال در هویت و جهان بینی‌شان در پیش می‌گیرند. هستی و لی لی شخصیت‌هایی منحصر به فرد نیستند، بلکه وولف و دانشور آن‌ها را به عنوان نماینده نسل نو و جوان به ما می‌نمایانند. آن‌ها از سویی دوست دارند محبوب قلب مردان شوند، ازدواج کنند و خانواده‌ای از خود داشته باشند، از طرفی دیگر نیازی مبرم برای کسب استقلال و رهایی از مردان خودخواه دارند. این بدان معناست که افرادی مثل لی لی و هستی هنوز به مزایا و عواقب اجتماعی استقلال و عقاید ناهمگون‌شان در یک جامعه مردسالار آگاه نیستند.

لی لی درباره خود می‌اندیشد: من که یک زن نیستم، من یک زودرنج و بد اخلاق، پیر دختری بی‌ثمرم (وولف ۱۱۱).

همه نگران ازدواج لی لی و هستی‌اند. خانم رامسی می‌کوشد همسری مناسب برای لی لی پیدا کند، تا او هم مثل خودش مادری و همسری را تجربه کند. هستی هم از سوی اطرافیانش تحت فشارها و توصیه‌های فراوان قرار گرفته است و همگان به او توصیه ازدواج می‌کنند. حتی شخصیت‌های فرعی مثل دکتر بهاری و مردان‌خان در تصمیم او برای انتخاب همسر آینده‌اش دخالت می‌کنند.

زنان سستی و نوگرا در این داستان موجوداتی تنها به تصویر کشیده شده‌اند. با وجود افراد متعدد در اطرافشان، حس تنهایی شدیدی وجودشان را فرا می‌گیرد. هستی در مراسم تشییع جنازه خانم فرخی شرکت می‌کند و با دیدن گل‌های روی تابوت او با خود می‌اندیشد: «و گل‌ها، آنقدر تنها و معصوم می‌نمودند که هستی به یاد تنهایی خانم فرخی اشک به چشم آورد. این زن چقدر تنها بود و همه زن‌ها چقدر تنهایند» (دانشور، ۱۳۸۰، ۲۲۲).

توران جان هم در تنهایی و غربت می‌میرد. خانم رامسی هم حتی بعد از مهمانی پرشکوهش برای لحظاتی احساس تنهایی می‌کند، و او همیشه آماده کمک و دلجویی از دیگران است، اما دیگران از اندیشه‌ها و تضادهای درونی او بی‌خبرند و کسی به او خدمتی نمی‌کند. هستی هم مانند لی لی شخصی تنها و غریب است که کسی قادر به فهم عمق سرگردانی و پیچیدگی درونی‌اش نیست. آن‌ها هیچ‌گاه در طول داستان فرصت نمی‌یابند احساسات و درگیری‌های خصوصی‌شان را بر زبان بیاورند (نثری روان در خدمت کلیشه زنانه موسوی ۶).

لی لی و هستی دارای شخصیت‌هایی پویایند، آنان به آگاهی‌های نسبی می‌رسند و در شخصیت و رفتارشان بارز می‌شود. لی لی در انتهای رمان به سوی فانوس دریایی و هستی در انتهای جلد دوم جزیره سرگردانی، همان زنان سردرگم و گم‌گشته ابتدای داستان نیستند و رفتارشان تا حدی از تناقض و حیرت‌رهایی می‌یابد. لی لی در طول نقاشی‌اش بینشی تازه از معنای زندگی، موقعیت و اهداف خود به دست می‌آورد و در صفحات پایانی رمان سرانجام موفق به اتمام نقاشی‌اش می‌شود (تلفیق خلاقانه چشم‌انداز). متقابلاً هستی هم بعد از نجات نمادینش از جزیره‌ای به نام سرگردانی روی سعادت و یقین را می‌بیند. به ویژه زمانی که طوطک، پرنده‌ای خیالی، که همان نفس مطمئنه هستی است بر او ظاهر می‌شود و با او راجع به مسائل سیاسی و اتفاقات آینده کشورش صحبت می‌کند و به هستی در تصمیم‌گیری‌ها و کشمکش‌های درونی‌اش یاری می‌رساند. خودآگاهی لی لی از شرایط جامعه و شخص خودش

به تدریج افزوده می‌شود و او قادر به ارج نهادن به توانایی‌ها و ظرفیت‌های هنری‌اش می‌شود و احساس نیرومندی می‌یابد و در برخورد با آقای رامسی، دیگر حس ضعف و تشنج ندارد به گونه‌ای که شخصیت او را با تمام نقص‌ها، احساس و تعصبات سنتی‌اش می‌پذیرد (پاسخ ویرجینیا وولف به مونکا ۲).

### نتیجه

از زمان انتشار به سوی فانوس دریایی تاکنون، این رمان تحت انواع مختلف روش‌های نقد، بررسی شده است. از مکتب فرمالیسم تا پسااستعمارگرایی. این مقاله، رمان را بر مبنای نظریات فمینیستی متفاوت، از جمله خود وولف پرداخته است. اما به این محدود نشد، بلکه به بررسی اثرات اجتماعی خودآگاه یا ناخودآگاه این رمان بر رمان فارسی جزیره سرگردانی سیمین دانشور نیز پرداخت. از طرفی دانشور هم توجه منتقدان زیادی به ویژه در ایران را به خود جلب کرده است و بررسی رمان جزیره سرگردانی از منظر فمینیسم ایده‌ای بکر این مقاله نبود بلکه تطبیق آن با رمان به سوی فانوس دریایی تمرکز و هدف اصلی مقاله بود.

خانم دانشور و وولف هر دو آراء فمینیستی در سر دارند و رمان را محمل مناسبی برای بیان مستقیم یا غیر مستقیم افکارشان برگزیدند. نویسندگان دو رمان بررسی شده، با وجود تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی، دارای شباهت‌های فراوانی هستند که پرداختن به همه آن‌ها در فرصت کوتاه این مقاله پدید نیامد و به تنها چند مورد محدود از شباهت‌های شخصیت‌های زن داستان‌ها اکتفا شد. زنان دو رمان دارای پیچیدگی‌های درونی و مسائل عاطفی مشترک‌اند که در بیشتر موارد به شیوه‌های مشترک و گاه به شیوه‌های متفاوت با آن‌ها برخورد می‌کنند. البته در تمام موارد با وجود اختلاف در راهبرد به‌کار گرفته شده توسط زنان برای مبارزه با مردسالاری، هدف مشترکی دنبال می‌شود که همانا رهایی از ظلم و ستم و وابستگی به مردان سودجو و احیای حقوق از دست رفته زنان است. نگارنده مقاله نظرات منتقدانی چون ولستون کرفت، وولف، کریستوا، سیکو، اریگری و شوالتر را بررسی کرد. نظرات و دیدگاه‌های آن‌ها، اهداف این مقاله را تحت پوشش قرار می‌دهد. این مقاله در پی کردن خلاء مطالعه تطبیقی روی وولف و دانشور است تا از این راه به تبیین ارتباط احتمالی ادبیات دو ملت و فرهنگ متفاوت بپردازد. در بخش ابتدایی مقاله، بحث نظری شروع و تقویت می‌شود در ادامه معرفی اجمالی، سبک نویسندگی وولف و دانشور و تم‌های معروف آن‌ها می‌پردازد. اثرات عمیق کارهای دو نویسنده در جامعه‌شان هم در این مقاله بررسی و تبیین شد. در بخش‌های بعد

اهمیت شخصیت‌های زن و نقش آن‌ها در ساختن معنای رمان تصریح شد و این که آیا در واقع اشتراکاتی بین زنان رمان فارسی و انگلیسی وجود دارد یا خیر. شخصیت‌های هر کدام از زنان مؤثر داستان‌ها مثل خانم رامسی، لیلی بریسکو، هستی، عشرت و توران بررسی شد. نگرانی‌ها، ترس‌ها، افکار درونی نقش زنان در پیش برد اهداف داستان بیان شد. در هر دو اثر به بررسی دقیق مردسالاری و تبعات خانوادگی و اجتماعی آن برای زنان توجه شده‌است و در نهایت مقایسه و تطبیق دو اثر با ارائه مثال‌هایی از متن آن‌ها انجام شده است.

زنان نواندیش و ساختارشکن، به دلیل عقاید و اعمال ناهمگون با جامعه‌شان از شکی درونی و سردرگمی بزرگی آزار می‌بینند و دچار اختلافات و تناقض‌های رفتاری و شخصیتی می‌شوند. حس تنهایی عقیدتی و فکری آنان را در بر می‌گیرد اما این حالت ناپایدار است و زنان قهرمان دو اثر ادبی به تدریج وارد برهه جدیدی از زندگی می‌شوند که نگاه و درکی نو برای آنان به ارمغان می‌آورد. با پذیرش دشواری‌های مسیر برگزیده و توانایی‌های بالای هنری خود، پذیرش آراء اطرافیان و شرایط زندگی بر آن‌ها هموار می‌شود و به‌طور نسبی از سرگردانی جهان شمول معاصر رهایی می‌یابند. این مقاله به درک عمیق‌تری از فمینیسم به ویژه در زمینه مطالعات تطبیقی منجر می‌شود. اثرات فرهنگی سرزمین‌های متفاوت و نتایج مردسالاری در آن‌ها بررسی شده است، ادبیات شاخه‌ای از هنر است که محدود و مخصوص یک ملت نیست.

### Bibliography

- Ardestani, Maryam. (1388/2009). "Naghshe Zan Dar Asar Simin Daneshvar". (The Role of Woman in Simin Daneshvar's Works). www.Arman Davari Web.
- Bressler, Chareles E. (2007). *Literary Criticism: An Introduction to Literary Theory and Practice* 4<sup>th</sup> ed. New Jersey: Pearson Prentice Hall.
- Daghighi, Mojdeh. (1381/2002). "Sargardani Yek Jireye Hamegani Ast". (The Wandering Is a Public Share). Zanan, 32-33.
- Daneshvar, Simin. (1372/1993). *Jazireh Sargardani*. (The Wandering Island). Tehran: Kharazmi Publication.
- . (1380/2001). *Sareban Sargardan*. (The Wandering Cameleer). Tehran: Kharazmi Publication.
- Dastgheib, Abdo Ali. (1382/2003). "Jazireh Sargardani". (The Wandering Island). Keihan farhangi.11. *Bar Sahele Jazireye Sargardani: Jashnameye Dr. Simin Daneshvar*. 510-524.

- Freidman Stanford, Susan. (1998). *Feminism and the Cultural Geographies of Encounter*. Princeton: Princeton University Press.
- Ghobadi, Hosein Ali, Agha Golzadeh va Deseq. (1388). "Tahlil Goftemane Ghaleb Dar Roman Suvashune Simin Daneshvar" (The Analysis of Dominant Discourse in Suvashun By Simin Daneshvar). *Fasl Nameh Naghd Adabi*. Sale 2, Shomare 6. 149-183.
- Handley, William R. (1994). "The Housemaid and the Kitchen Table: Incorporating the Frame in *To the Lighthouse*." *Twentieth Century Literature*. 41.1. *Questia*
- Hasan li, Kavous, Ghasem Salari. (1386/ 2007). "Neshanehaye Feminism Dar Asar Simin Daneshvar" (The Signs of Feminism in Simin Daneshvar's Works). *Motaleat Zanan*, Sale panjom, Shomare 1.
- Hooks, bell. (2000). *Feminism Is For Everybody: Passionate Politics*. Cambridge: South End Press.
- Mcintire, Gabriele. (2008). *Modernism, Memory, and Desire: T.S. Eliot and Virginia Woolf*. Cambridge: CUP.
- Minow-pinkney, Makiko. (1987). *Virginia Woolf and the Problem of the Subject*. Sussex: Harvester press.
- Munca, Daniel. (2009). "Virginia Woolf's Answer to "Women Can't Paint, Women Can't Write" in *To the Lighthouse*". *Journal of International Women's Studies*. 10. 4. *Questia*. Web.
- Musavi, Nastaran. (1383/2004). Nasri Ravan Dar Khedmate Kelisheye Zananegi. (A Fluent Text in Service of Womanly Cliché). *Bar Sahele Jazireye Sargardani: Jashnameye Dr. Simin Daneshvar*. 807-813.
- Novin, Hosein. (1388/2009). Naghd va Tahlil Jame Shenasi Eide Iraniha. (A Social Criticism on Iranians' Eid). *Pazhuhesh Zaban va Adabiat*. Shomare 12. 125-141.
- Osborne, Susan. (2011). *Pocket Essential Feminism*. Vermont: Pocket Essentials.
- Payandeh, Hossein. (1381/2002). "Simin Daneshvar: Shahrzadi Pasamodern". (Simin Daneshvar : A Postmodern Shahrzad). *Ketab Mahe Adabiat va Falsafe* 6 (63), 72-81.
- Sanders, Valerie. (1998). "First Wave Feminism", *The Routledge Companion to Feminism and Postfeminism*. Ed. Sarah Gamble. London: Routledge. *Gigapedia.com*.
- Thornham, Sue. (1998). "Second Wave Feminism." *The Routledge Companion to Feminism and Postfeminism*. Ed. Sarah Gamble. London: Routledge.
- Wolfreys, Julian. (2006). *Modern European Criticism and Theory*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Woolf, Virginia. (1927). *To the Lighthouse*. London: Hogarth.